

(و احتمالاً ایالات متحده) برای استفاده مجدد از زور (احتمالاً تا حدی که بقای نظام سیاسی ایران را تهدید کند) برای جلوگیری از بازسازی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، چه رسد به توسعه سلاح، تصمیم به توسعه سلاح همچنان پر خطر است. با این حال، حکومت ایران پیش از این دست کم گرفتن نیات و قابلیت‌های اسرائیل و ایالات متحده را نشان داده است (با حمله به اسرائیل در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ و با به تعویق انداختن مذاکرات با ایالات متحده) و ممکن است در آینده سوءمحاسباتی مرتکب شود.

احتمالاً ایران تلاشی برای بازسازی تأسیسات غنی‌سازی آسیب‌دیده در حمله نخواهد کرد. با این حال، ممکن است اورانیوم را در یک سایت مخفی تا سطح نظامی ۹۰درصد غنی‌سازی کند. چنین غنی‌سازی‌ای به بیش از یک آبشار یا حداکثر دو آبشار سانتریفیوژ پیشرفته (بین ۱۰۰ تا ۲۰۰) نیاز ندارد. این کار می‌تواند ظرف چند هفته انجام شود، به‌ویژه اگر ایران یک برنامه اضطراری شتاب‌یافته (برنامه ضربتی) را انتخاب کند و اگر از قبل یک تأسیسات مخفی یا چندین تأسیسات کوچک پراکنده در سراسر ایران را آماده کرده باشد.

ایران همچنین می‌تواند فلز اورانیوم را در مکان‌های جایگزین (مثلاً آزمایشگاه‌های شیمی دانشگاه یا کارخانه‌های شیمیایی) دوباره تبدیل کند و زیرساخت‌های چنین مکان‌هایی ممکن است از قبل وجود داشته باشد. اگر این فرآیند به سرعت، مخفیانه و بدون محدودیت‌های ایمنی انجام شود، حداکثر می‌تواند چندماه طول بکشد. یک چالش کلیدی، انتقال مواد شکافت‌پذیر باقی‌مانده به تأسیساتی است که امکان تبدیل مجدد را فراهم می‌کنند.

درست کردن یک سلاح هسته‌ای نهایی ممکن است پیچیده‌تر باشد. مشخص نیست که ایران در آستانه جنگ در مونتاژ دستگاه انفجاری به چه وضعیتی رسیده بود، اما واضح است که پیشرفت قابل توجهی در تلاش‌های تسلیحاتی حاصل شده و ایران دانش لازم برای این منظور را دارد. می‌توان تخمین زد که قادر به مونتاژ یک دستگاه انفجاری نسبتاً ساده از نوع تفنگی است، اگر چه چنین دستگاهی به مقدار بیشتری از مواد شکافت‌پذیر نسبت به یک دستگاه هسته‌ای از نوع انفجار داخلی نیاز دارد و مشخص نیست که ایران چقدر از توانایی تولید آن فاصله دارد. علاوه بر این، چنین دستگاهی برای پرتاب توسط موشک بالستیک مناسب نیست و به یک بمب‌افکن استراتژیک بزرگ نیاز دارد.

اگرچه در اصل امکان انتقال یک سیستم تسلیحات هسته‌ای آماده از کره شمالی (با پاکستان) به ایران وجود دارد، اما در ارزیابی ما، احتمال چنین سناریویی که مغایر با مفهوم خوداتکایی ایران، به ویژه در رابطه با قابلیت‌های استراتژیک است، بسیار کم است. ایران همچنین ممکن است سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای را به منظور حمله الکترومغناطیسی توسعه دهد. از آنجایی که چنین ابزاری یک سلاح غیرکشنده است، با فتوای دینی رهبر ایران نیز که ظاهر اتولید سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع می‌کند، در تضاد نیست.

▼ هدف استراتژیک

جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، هدف اصلی حفظ و تقویت امنیت اسرائیل حتی پس از جنگ بوده و هست. با توجه به موفقیت‌های جنگ، یک هدف استراتژیک مورد نیاز است که اساساً مستلزم جلوگیری از توانایی ایران برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای باشد، چه از طریق وضع مقررات که توانایی توسعه سلاح‌های هسته‌ای را از آن سلب می‌کند، و چه از طریق اعمال زور (از طریق نظامی یا عملیات مخفی)، که مانع از هرگونه تلاش مجدد ایران برای بازگرداندن برنامه هسته‌ای و حتی بیشتر از آن برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای می‌شود. این، در عین حال حفظ توانایی ادامه یک کمپین جامع علیه ایران برای تضعیف جمهوری اسلامی، محدود کردن فعالیت‌های مضر منطقه‌ای آن و محدود کردن قابلیت‌های موشکی آن است.

آماده شدن برای طیف وسیعی از سناریوها، همانطور که در بالا توضیح داده شد، نیازمند ابزارها و قابلیت‌های متنوعی است.

در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران به ابزارهای عملیاتی نیاز است:

۱- قابلیت‌های جمع‌آوری و اطلاعاتی که امکان شناسایی پیشرفت ایران در مسیر مخفیانه هسته‌ای را فراهم می‌کند.
۲- تنوع بخشی و گسترش توانایی عملیات مخفی به منظور نفوذ به ایران، که امکان خرابکاری و تخریب قابلیت‌های صنعتی در پروژه هسته‌ای را فراهم می‌کند.

۳- قابلیت حمله مستقل اسرائیل با سلاح‌هایی که امکان نفوذ عمیق به فضای عمیق زیرزمینی را برای تخریب تأسیسات زیرزمینی فراهم می‌کنند.

۴- افزایش توانایی سلاح‌های اسرائیلی برای نفوذ به سیستم دفاع هوایی ایران با توجه به پیشرفت‌های مورد انتظار در آن پس از درس‌هایی که ایران آموخته است. این کار بدون از دست دادن همکاری با ایالات متحده و توانایی عملیات با کمک آمریکا انجام می‌شود.

۵- شناسایی کمک‌های خارجی برای بازایی قابلیت‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از آن از طریق ابزارهای اسرائیلی، ضمن همکاری با جامعه بین‌المللی.

۶- بهبود قابلیت‌های اسرائیل برای هشدار دادن و خنثی کردن تلاش‌های تروریستی با این فرض که احتمال تهدید تروریستی غیرمتعارف به عنوان بخشی از واکنش ایران افزایش یافته است.



یک توافق به خودی خود الزاماً به معنای اجرای آن توسط ایران در بلندمدت نیست و حتی ممکن است به پوششی برای تلاش‌های پنهانی ایران بدل شود. علاوه بر این، توافقی که انتظار می‌رود منجر به حذف (یا کاهش قابل توجه) تحریم‌های اقتصادی شود، برای ایران راه تنفس باز می‌کند و توانایی آن را برای ادامه فعالیت‌های منفی خود در زمینه‌های مختلف بهبود می‌بخشد.

همچنین ممکن است آزادی عمل اسرائیل در قبال ایران را محدود کند، مگر اینکه این امر در چارچوب تفاهات غیررسمی بین اسرائیل و ایالات متحده حفظ شود

▼ جایگزین‌های استراتژیک

۱- یک توافق هسته‌ای خوب.

۲- یک حمله پیشگیرانه در مقیاس بزرگ: یک کمپین مشترک اسرائیلی-آمریکایی برای نابودی دارایی‌های باقی‌مانده که هنوز در ایران نابود نشده‌اند و تضعیف پایه‌های حکومت در ایران، از جمله ترکیبی احتمالی از عملیات زمینی.

۳- واقعیت عدم توافق و افزایش فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی، آن را تضعیف و منزوی می‌کند.

▼ توصیه‌هایی برای اسرائیل

پیش از جنگ، اسرائیل با دو گزینه روبه‌رو بود: حمایت از تلاش‌ها برای حل و فصل دیپلماتیک بین ایران و ایالات متحده و استفاده از گزینه نظامی. پس از تصمیم‌گیری در مورد این موضوع با نفع حمله نظامی، سیاستی از سوی اسرائیل لازم است که بین تلاش برای ایجاد یک چارچوب قراردادی محدودکننده، از جمله نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و حفظ توانایی اجرا و مداخله برای مختل کردن هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، تعادل برقرار کند.

از آنجایی که فرآیند یادگیری و عبرت‌آموزی در ایران در مراحل اولیه خود است، باید در مورد تصمیماتی که توسط رهبران ایران (به رهبری عناصر محافظه‌کار و رادیکال) در هفته‌ها و ماه‌های آینده گرفته خواهد شد، فرضیات دقیقی اتخاذ شود. علاوه بر این، انتظار می‌رود ایران از توانایی‌های اسرائیل که در طول جنگ نشان داده شده است، درس‌هایی بیاموزد و سیستم‌های تسلیحاتی خود را، احتمالاً با کمک خارجی، با تأکید بر چین، بهبود بخشد. انتظار می‌رود ایران استراتژی جدیدی را بر اساس قدرت‌نمایی به منظور بازآرندگی، از جمله در حوزه هسته‌ای، تدوین کند. در پرتو این امر، اسرائیل باید یک قابلیت عملیاتی انعطاف‌پذیر را تدوین کند و در عین حال ابزارهای متنوعی را با توجه به شرایط متغیر، تصمیماتی که در تهران گرفته خواهد شد و تغییرات احتمالی در استراتژی ایران به کار گیرد.

▼ گزینه یک: توافق سیاسی

توافقی که عمدتاً به تصمیمات اتخاذ شده در هفته‌های آینده در واشنگتن و تهران بستگی دارد، احتمالاً تنها راه برای تمدید بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حتی بهبود آنها در مقایسه با توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تجربه، تخصص و توانایی (حتی اگر غیرقابل نفوذ نباشند) را دارند تا سعی کنند بفهمند چه اتفاقی برای مواد شکافت‌پذیر ایران قبل از جنگ افتاده است و به مواد باقی‌مانده دست یابند. در غیاب توافق، لازم است منحصراً به عملیات اطلاعاتی تکیه شود. علاوه بر این، مکانیسم بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در صورت امتناع ایران از ارائه دسترسی به بازرسان به سایت‌های مشکوک، مهر تأیید سیاسی و مشروعیتی برای حمله دیگری فراهم می‌کند. علاوه بر این، یک توافق هسته‌ای (با فرض اینکه برای فریب ایران به منظور پیشرفت در مسیر نظامی پنهانی استفاده نشود) تعهد جامعه بین‌المللی (به رهبری ایالات متحده) را برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای در درازمدت تثبیت می‌کند و ممکن است تا زمانی که فرآیندهای تغییر سیاسی داخلی در ایران بالغ شوند، یا حداقل زمان ببرد.

حملات به ایران ممکن است راه را برای تنظیم برنامه هسته‌ای این کشور تحت شرایط بهبودیافته برای اسرائیل و ایالات متحده هموار کند. بسیار بعید است که ایران حتی تحت شرایط جدید از حق غنی‌سازی اورانیوم (تا سطح پایین ۳۷۶ درصد) در خاک خود صرف نظر کند. با این حال، برچیدن تأسیسات غنی‌سازی آن ممکن است تهران را به موافقت با یک راه‌حل خلاقانه (به عنوان مثال، ایده یک کنسرسیوم هسته‌ای منطقه‌ای) تشویق کند.

از سوی دیگر، یک توافق به خودی خود الزاماً به معنای اجرای آن توسط ایران در بلندمدت نیست و حتی ممکن است به پوششی برای تلاش‌های پنهانی ایران بدل شود. علاوه بر این، توافقی که انتظار می‌رود منجر به حذف (یا کاهش قابل توجه) تحریم‌های اقتصادی شود، برای ایران راه تنفس باز می‌کند و توانایی آن را برای ادامه فعالیت‌های منفی خود در زمینه‌های مختلف بهبود می‌بخشد. همچنین ممکن است آزادی عمل اسرائیل در قبال ایران را محدود کند، مگر اینکه این امر در چارچوب تفاهات غیررسمی بین اسرائیل و ایالات متحده حفظ شود. علاوه بر این، انتظار می‌رود حملات نظامی، تهیه یک «فهرست مواد» مؤثر برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت یافتن مواد شکافت‌پذیر باقی‌مانده در ایران را دشوار کند. در عین حال تردید وجود دارد آیا ایران حتی در سناریوی یک توافق سیاسی مکانیسم بازرسی سرزده آژانس را بپذیرد. بنابراین، حتی در هر توافقی که سازوکارهای نظارتی آژانس را حفظ کند که شرط محدود نشدن توانمندی‌های عملیاتی اسرائیل، مزایایی برای اسرائیل وجود دارد. از دیدگاه اسرائیل، یک توافق هسته‌ای جدید حداقل به یک سال زمان نیاز دارد.

▼ گزینه دوم: یک ابتکار نه‌اجمی علیه ایران

حمله به ایران تحت‌منطق حمله‌پیشگیرانه امکان‌پذیر است. یعنی در سناریویی که اسرائیل یک تهدید فوری را شناسایی کند یا فرصتی برای بهره‌برداری از آن داشته باشد، باید بر اساس درس‌هایی که هر دو طرف از جنگ آموخته‌اند، یک کمپین دیگر برنامه‌ریزی شود. در این مرحله، بحث در مورد روش اجرای چنین کمپینی زود است. با این حال، می‌توان فرض کرد که این کمپین بر اساس تعدادی از اصول اساسی خواهد بود:

۱- هماهنگی عمیق با ایالات متحده.

۲- شگفتی‌های تکنولوژیکی و اطلاعاتی.

۳- یک افتتاحیه غافلگیرکننده.

۴- نابودی قابلیت‌های نظامی به منظور جلوگیری از توانایی

ایران برای عملیات علیه جبهه داخلی اسرائیل و قابلیت‌های دفاع هوایی ایران.

۵- حمله به اهدافی برای تضعیف پایه‌های حکومت در ایران (بر اساس تحقیقات عمیق در مورد اقدامات اسرائیل در این زمینه در مبارزات انتخاباتی قبلی).

▼ گزینه ۳: بدون حمله و بدون توافق، در حالی که ایران به آستانه هسته‌ای شدن، پایین‌تر از آستانه واکنش اسرائیل، بازی می‌گردد

چه توافقی حاصل شود و چه نشود، اسرائیل باید قابلیت اجرا و مداخله را برای مختل کردن یک پیشرفت هسته‌ای نظامی توسعه و حفظ کند. چنین قابلیتی (احتمالاً ناگهانی در کنار اقدامات متقابل پنهانی، با اولویت اجرا در سطحی که واکنش ایران را برنیزانانگیزد) مستلزم اطلاعات با کیفیت بالا، قابلیت‌های عملیاتی پایدار و هماهنگی و همکاری مداوم با ایالات متحده است. یک بررسی اطلاعاتی کامل در مورد ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که ایران پیش از جنگ در اختیار داشت، همراه با جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش‌های مختلف برای شناسایی هرگونه فعالیتی که با هدف غنی‌سازی اورانیوم تا ۹۰ درصد، تبدیل آن به اورانیوم فلزی و تسلیحاتی کردن آن انجام می‌شود، مورد نیاز است. انتظار می‌رود برخی از این عملیات‌ها «نشانه‌های آشکار» از خود به جا بگذارند، اما باید فرض کرد که توانایی شناسایی آنها از طریق ابزارهای اطلاعاتی، قطعی نیست. نمی‌توان با اطمینان تخمین زد که قابلیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی چشمگیر نشان داده شده در طول جنگ در آینده نیز حفظ خواهد شد، به ویژه با توجه به این ارزیابی که ایران از این حمله درس‌هایی خواهد گرفت، درک عمیق‌تری از قابلیت‌های حمله اسرائیل و ایالات متحده به دست خواهد آورد و سیستم‌های دفاعی و پنهان کاری خود را در مواجهه با تهدید نظامی بهبود خواهد بخشید. علاوه بر این، اجرای این اقدامات می‌تواند منجر به از سرگیری درگیری‌ها شود و حتی اسرائیل را به یک جنگ فرسایشی طولانی بکشاند که محدودیت‌های قابل توجهی را بر زندگی روزمره در اسرائیل ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این، مشخص نیست که آیا هماهنگی نزدیک با ایالات متحده در طول زمان حفظ خواهد شد یا خیر و آیا موضع آمریکا در مورد آزادی عمل اسرائیل با توجه به تغییرات سیاسی احتمالی در ایالات متحده در سال‌های آینده یا تغییر در اولویت‌های آمریکا در عرصه بین‌المللی بدون تغییر باقی خواهد ماند یا خیر.

در هر صورت، باید یک تهدید معتبر علیه بقای نظام سیاسی ایران ایجاد شود که ایران را از فعالیت‌هایی که می‌تواند منجر به پیشرفت به سمت سلاح‌های هسته‌ای شود، باز دارد. می‌توان سعی کرد ایران را از تصمیم به بازگرداندن برنامه هسته‌ای - و به‌ویژه دستیابی به سلاح - باز دارد، اگر برای آن روشن شود که چنین اقدامی ناگزیر منجر به حمله به اهداف زیرساختی، اهداف نظامی و نمادهای جمهوری اسلامی خواهد شد که می‌تواند ثبات نظام سیاسی را به خطر بیندازد. باید برای مقامات ایرانی روشن شود که اسرائیل (و در صورت تمایل، ایالات متحده) اجازه نخواهد داد نظامی در ایران که دارای سلاح‌های هسته‌ای است، وجود داشته باشد و قدرتی که در طول جنگ عمدتاً به سمت برنامه‌های هسته‌ای و موشکی هدایت می‌شد - با دستیابی به سلاح - به سمت دارایی‌ها و زیرساخت‌های حیاتی هدایت خواهد شد. با این حال، تصمیم ایران به ملاحظات مختلفی بستگی دارد، از جمله ارزیابی آن از توانایی خود برای بازگرداندن برنامه بدون کشف این تلاش و عزم اسرائیل و ایالات متحده برای حمله مجدد در طول زمان.

فشارهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی باید (حتی با توجه به شرایط فعلی) بر ایران ادامه یابد تا ایران تضعیف، جمهوری اسلامی منزوی و از نظر اقتصادی و دیپلماتیک فرسوده شود. این کار باید ضمن رسیدگی به تمام مسائلی که ایران در آنها برای جامعه بین‌المللی چالش ایجاد می‌کند (برنامه موشکی، فعالیت‌های منطقه‌ای، دخالت در ترور بسم، فعالیت‌های نفوذ ایران در شبه‌کها، نقض حقوق بشر انجام شود. در این زمینه، و در غیاب یک توافق سیاسی در هفته‌های آینده، بریتانیا، فرانسه و آلمان باید تشویق شوند که مکانیسم ماشه را تا تاریخ انقضای آن در اکتبر ۲۰۲۵ فعال کنند، به ویژه با توجه به این واقعیت که ترس از واکنش ایران در زمینه هسته‌ای (به عنوان مثال، غنی‌سازی اورانیوم تا ۹۰ درصد) با توجه به نتایج جنگ بی‌اهمیت شده است و خروج ایران از NPT می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را حتی بیشتر از گذشته به خطر بیندازد.

▼ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایالات متحده در هر سناریویی بازیگر کلیدی است. بنابراین، اسرائیل باید در هر راه حل آینده، تقویم سیاسی در ایالات متحده، از جمله انتخابات میان‌دوره‌ای در سال ۲۰۲۶ و انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۲۸ را در نظر بگیرد. علاوه بر این، لازم است از ابزارهای آگاهی‌بخشی برای تغییر برداشتی که از زمان جنگ در ایران رواج یافته است، استفاده شود؛ برداشتی که اسرائیل را نماینده ایالات متحده و غرب می‌داند، غربی که از نظر رهبری ایران، در حال زوال است. حفظ پیگیری چارچوب توافق‌شده‌ای که ایران را محدود می‌کند و امکان نظارت دقیق را فراهم می‌کند، در عین حفظ مشروعیت عملیات، به نفع اسرائیل است، اما خطوط قرمز اسرائیل، همانطور که در بالا به تفصیل توضیح داده شد، باید رعایت شود. باید اقدامات دیپلماتیک با آلمان، فرانسه و بریتانیا با هدف خروج آنها از توافق هسته‌ای و فعال کردن مکانیسم ماشه قبل از انقضای مهلت قانونی آن، انجام شود.

دیپلمات‌ها



دالان زنگرور توطئه است

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل خاطر‌نشان کرد: امروز دشمنان با طرح‌هایی مانند «دالان زنگرور»، در پوشش توسعه اقتصادی، در پی تهدید وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران هستند. ولایتی در پیامی به مناسبت آیین نکوداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نوشت: «مردم آذربایجان، از دیرباز در برابر دشمنان ایستادگی کرده‌اند. در برابر یورش رومیان، در برابر عثمانیان، در جنگ‌های ایران و روسیه، و در نهضت‌های مردمی، همواره پیشگام بوده‌اند. در جنگ‌های ایران و روسیه در سده نوزدهم، مردم این خطه با رشادت در برابر ارتش تزاری ایستادند. هر چند به‌دلیل ضعف دربار قاجار، بخشی از سرزمین‌ها از دست رفت، اما غیرت مردم آذربایجان در تاریخ ثبت شد.» مشاور رهبری با اشاره به توطئه دالان زنگور تأکید کرد: «ما با الهام از تاریخ پرافتخار خود، و با تأسی به سیره عارف بزرگ، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در برابر هرگونه توطئه و تجربه‌طلبی ایستادگی خواهیم کرد. همان‌گونه که او در عصر خود با تفرقه‌دشتت مقابله کرد، ملت ایران نیز با وحدت و بصیرت خود، توطئه‌های دشمنان را خنثی خواهد ساخت.»

پزشکیان به اسلام‌آباد سفر می‌کند



باکو حمله اسرائیل به ایران را محکوم کرد

حکمت حاجی‌اف، دستیار سیاست خارجی رئیس‌جمهور آذربایجان امروز (یکشنبه) پنجم مردادماه در تماس تلفنی با معاون سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل دبیر خانه شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ضمن عرض تسلیت شهادت جمعی از هموطنان از جمله فرماندهان و دانشمندان ایرانی، حمله رژیم صهیونیستی به خاک جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد. در این گفت‌وگوی تلفنی طرفین بر ارتقای سطح روابط دوجانبه و تسریع در اجرایی شدن توافقات صورت‌گرفته رؤسای جمهور دو کشور تأکید کردند.

ادامه سر مقاله

مهم‌ترین رکن قدرت، عقلانیت و در کنار آن مسئولیت‌پذیری است. این عقلانیت است که موجب درک درست از کیفیت مولفه‌های قدرت می‌شود و مسئولیت‌پذیری نیز موجب نحوه کاربرد اخلاقی اجزای قدرت می‌شود. اکنون ببینیم درک و عقلانیت این شخص از دیپلماسی چیست؛ آنجا که می‌گوید: «اگر دشمن می‌گوید نباید غنی‌سازی ۳درصدی داشته باشید، باید آن را به ۲۰درصد و سانتریفیوژ را به ۱۹هزار عدد برسانیم.» کسی نیست به این افراد بگوید پس برای چه می‌روند گفت‌وگو می‌کنند؟ در خانه بنشینید و به غنی‌سازی خود بپردازید. چند سال با همین افکار جامعه را معطل گفت‌وگوهای بی‌حاصل خود کردید. ولی این را هم پاسخ دهید که چرا آتش‌بس را پذیرفتید و چرا اساساً در جنگ پیشدستی نمی‌کنید؟ ظاهراً بعید است که این حد دوری از عقلانیت و درک نادرست از قدرت ملی را بتوان هضم و وجودش را توجیه کرد؛ بنابراین، چاره‌ای نیست جز اینکه به تئوری توطئه‌پناه ببریم.